

رویکرد طبقه‌بندی مجازات در قانون مجازات اسلامی جدید و جایگاه تعزیرات در این طبقه‌بندی‌ها

راضیه اکبری*^۱، امید اسلامیان^۲

۱- کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، بوشهر، ایران. (کارشناس حقوقی املاک شهرداری).

۲- کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، بوشهر، ایران.

چکیده

مجازات در نظام حقوق کیفری به‌عنوان مهم‌ترین واکنش سازمان‌یافته جامعه در برابر نقض هنجارهای حقوقی، کارکردهای بنیادینی همچون حفظ نظم عمومی، حمایت از بزه‌دیدگان، پیشگیری از تکرار جرم و تضمین عدالت را بر عهده دارد. سیر تحول قوانین کیفری ایران نشان می‌دهد که طبقه‌بندی مجازات‌ها، همواره محل توجه قانون‌گذار بوده و با دگرگونی‌های اجتماعی، سیاسی و فقهی دچار تغییر شده است. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با عدول از تقسیم‌بندی پنج‌گانه قانون ۱۳۷۰ و حذف عنوان «مجازات بازدارنده»، با احیای تقسیم چهارگانه حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، به‌ویژه در بخش تعزیرات، رویکردی نوین و کارآمد اتخاذ کرده است. هدف پژوهش حاضر، تحلیل رویکرد قانون جدید در طبقه‌بندی مجازات‌ها و تبیین جایگاه تعزیرات به‌عنوان گسترده‌ترین و انعطاف‌پذیرترین بخش نظام کیفری است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا بر مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده و با تجزیه و تحلیل داده‌ها، تلاش دارد ساختار، مبانی و آثار طبقه‌بندی‌های قانونی را واکاوی کند. یافته‌ها بیانگر آن است که قانون‌گذار با تعریف موسع از تعزیر در مواد ۱۴ و ۱۸ قانون، مجموعه‌ای از واکنش‌های حکومتی را که خارج از حدود شرعی، قصاص و دیات قرار می‌گیرند، در قالب تعزیرات تجمیع کرده و در تبصره ماده ۱۱۵ میان تعزیرات منصوص و غیرمنصوص تفکیک قائل شده است. این امر از سویی هماهنگی بیشتری با مبانی فقهی ایجاد کرده و از سوی دیگر، با فراهم ساختن ظرفیت فردی‌سازی مجازات، نقش مهمی در کارآمدسازی سیاست کیفری دارد. همچنین مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، کیفیت اجرا و توجه به انگیزه، وضعیت روانی و شرایط فردی مرتکب، گویای حرکت نظام کیفری به‌سوی تناسب‌گرایی و کاهش رویکرد صرفاً سزاده‌محور است. نتیجه اینکه قانون مجازات اسلامی جدید با اتکا بر انعطاف تعزیرات، در جهت کاهش آسیب‌های ناشی از مجازات، تحقق عدالت، حبس‌زدایی و سازگارسازی واکنش کیفری با شرایط اجتماعی گام برداشته و زمینه اصلاح و بازاجتماعی‌سازی بزهکاران را تقویت کرده است. کلمات کلیدی: طبقه‌بندی مجازات، قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.

۱. مقدمه

انسان فطرتاً دارای زندگی اجتماعی است و به گونه‌ای خلق شده است که به تنهایی زندگی نکند. انسان در تعامل با هم‌نوعانش در راستای حفظ و حراست از یک همزیستی مطلوب و مناسب، مرزهای رفتاری خویش را می‌آموزد؛ بنابراین، پس از اینکه آموخت محدوده آزادی او تا کجاست، توقع جامعه از او این است که در جهت رعایت این محدودیت‌های رفتاری ارزش‌گذاری شده توسط جامعه حرکت کند. نقض بایدها و نبایدهای جامعه، شهروندان را در معرض واکنش هم‌نوعان خویش و جامعه قرار می‌دهد؛ و به مراتب عکس‌العمل جامعه شدیدترین واکنش اجتماعی به نقض بایدها و نبایدها است. این واکنش به طور معمول در قالب مجازات مقرر در مجموعه قوانین کیفری به شکلی انسجام‌یافته تدوین و تصویب شده‌اند. آنچه اصطلاحاً به آن مجازات می‌گوییم، کیفرهایی هستند که به خاطر نقض بایدها و نبایدهای حقوقی حاکم بر جامعه بر مرتکبین آن (مجرمان) اعمال می‌شود. این کیفرها باید از قبل توسط مقامات مسئول و مجاز تعیین و اعلان شده باشد. حقوق کیفری ایران از بدو پیدایش با قوانین کیفری با موضوع مجازات و طبقه‌بندی‌های متفاوتی از مجازات همراه بوده است. اولین قانون کیفری ماهوی قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ بود که در آن، قانون‌گذار تقسیم چهارگانه مجازات را به ترتیب جنایت، جنحه و خلاف را مورد پذیرش قرار داده بود. پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، خواسته چندین و چند ساله ملت ایران مبنی بر اجرای احکام اسلامی باعث شد تا قوانین جزایی دست‌خوش تغییرات زیادی شوند. فقه به عنوان مهم‌ترین منبع حقوق موضوعه ایران، جایگاه خود را به دست آورد. به طوری که اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.»

بر همین اساس بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نخستین بار در لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های انقلاب، تقسیم‌بندی مجازات چهارگانه اسلامی یعنی مجازات حدود، قصاص، دیات و تعزیرات مورد توجه قرار گرفت. پس از آن قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ به این تقسیم‌بندی رسمیت بخشید و متعاقب آن سه قانون دیگر به نام‌های حدود و قصاص و مقررات آن مصوب ۱۳۶۱، قانون دیات ۱۳۶۱ و قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ به تصویب رسید. هرچند قسم پنجمی با نام مجازات بازدارنده به موجب قانون شکلی تشکیل دادگاه‌های کیفری یک و دو و شعب دیوان عالی کشور در سال ۱۳۶۸ افزوده شد و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مورد پذیرش قرار گرفت، اما در قانون جدیدالتصویب مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تقسیم بنی مجازات در ماده ۱۴ هیچ اشاره‌ای به مجازات بازدارنده نشده است به نظر می‌رسد قانون‌گذار تلاش کرده است آن را حذف نماید. در این قانون، قانون‌گذار با تعریفی گسترده از مجازات تعزیری، مجازات بازدارنده را در شمول تعزیرات قرار داده است. در عین حال، به دلیل اشکالاتی که از جهت ترتب آثار شرعی بر تعزیرات به نحو مطلق اعم از شرعی و حکومتی وجود دارد، در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ به تفصیل میان تعزیرات منصوص شرعی و تعزیرات غیر منصوص اشاره دارد و قانون‌گذار عملاً به تفکیک مجازات تعزیری به تعزیرات منصوص شرعی و تعزیر غیر منصوص تصریح کرده است.

مجازات از جهات دیگری نیز تقسیم‌بندی می‌شوند. این تقسیم‌بندی‌ها باید دارای آثار و ثمراتی باشند. در این راستا سه طبقه‌بندی حائز اهمیت است:

۱. تقسیم‌بندی مجازات بر اساس ماهیت حقوقی.

۲. تقسیم‌بندی مجازات از حیث ارتباط مجازات با یکدیگر

۳. تقسیم‌بندی بر اساس موضوع مجازات.

از آنجا که سیاست کیفری اسلام، مدعی همیشگی بودن توانایی خود برای اداره امور جامعه است، از سوی دیگر، با توجه به تحول و دگرگونی که همواره توأم با جوامع بشری است و برای امور متغیر و متحول نمی‌توان واکنش‌های ثابت در نظر گرفت، برای پاسخگویی مناسب به این امور ثابت و غیرثابت سیاست کیفری اسلام، به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش ثابت که مشتمل بر حدود، قصاص و دیات است و بخش تعزیرات که بخش غیرثابت این نظام کیفری است. قانون مجازات اسلامی که متبع از سیاست کیفری اسلام است، بر مبنای پیروی از همین سیاست، قانون‌گذار، در ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر نموده است: «مجازات مقرر در این قانون چهار قسم است: الف- حد، ب- قصاص، پ- دیه، ت- تعزیر». در ماده ۱۸ اقدام به تعریف تعزیر نموده است: «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد». بنا بر مطالب فوق، و همچنین از آنجایی که مجازات تعزیری بخش اعظم و قابل توجهی از مجازات مندرج در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را تشکیل می‌دهند می‌توان گفت، مجازات تعزیری در این تقسیم‌بندی برای تعیین مجازات مناسب در راستای تمشیت امور و رفتارهای شهروندان، جایگاه و نقش بسیار مهمی و حتی مهم‌ترین نقش را دارد. شناخت مقوله نقش و جایگاه تعزیرات، مباحث مفصلی را در پی دارد که در این پژوهش تلاش شده است به مهم‌ترین مباحث نظری آن اشاره شود.

مبانی نظری

مجازات

در لغت‌نامه دهخدا ذیل واژه مجازات آمده است که: مجازات. [م] (ع مص) پاداش دادن و جزا دادن در نیکی و بدی. در فرهنگ فارسی معین نیز آمده است که: (م) [ع. مجازات] ۱- (مص م). جزا دادن، پاداش دادن ۲- (امص). کیفر. کیفر در ترمینولوژی حقوق چنین تعریف شده (عقوبت و مجازاتی که به کسی که خلاف قانون یا اخلاق یا عرف و یا عادت رفتار کرده و مرتکب عمل بد شده باشد داده می‌شود).

چنانچه از تعریف فوق برداشت می‌شود کیفر در مقابل خلاف قانون یا اخلاق یا عرف و عادت هست. مطابق قانون برای مجرم، کیفر مقرر شده است. مجازات مجموعه قواعد مورد تأیید جامعه است که ضامن اجرای عدالت واقعی است و سعی در هدایت مجرم اصلی و یا احتمالی، بازدارندگی دیگران از ارتکاب جرم، ارضاء فطرت عدالت‌خواهی مجنی علیه و حمایت از جامعه را دارد که توسط قوه مقننه وضع و به وسیله قوه قضائیه به مورد اجرا گذارده می‌شود. آنچه اصطلاحاً به آن مجازات می‌گوییم، واکنشی است که: اولاً، متضمن درد و رنج و به تعبیر دقیق‌تر، مستلزم زیان باشد. چیزی که افراد معمولی آن را نمی‌پسندند؛ ثانیاً، این زیان به خاطر نقض یک قاعده حقوقی اعمال شود؛ یعنی تعرض به یک هنجار اجتماعی؛ ثالثاً، نقض قاعده توسط یک عامل انسانی مسئول در هیئت شخص حقیقی یا حقوقی صورت گرفته باشد؛ رابعاً، به وسیله یک مقام رسمی مجاز که قبلاً تعریف شده است به‌طور آگاهانه تعیین و اجرا گردد.

تمایز کیفر و اقدامات تأمینی

مجازات مشقتی است که بر مجرم در اثر ارتکاب جرم تحمیل می‌شود و لازمه آن این است که مجرم برخوردار از اهلیت کیفری و مسئولیت جزایی باشد درحالی‌که اقدامات تأمینی بدون توجه به مسئولیت کیفری اعمال می‌شود. اقدامات تأمینی مبتنی بر وجود حالت خطرناک است که این حالت هم در اشخاص وجود دارد و هم ممکن است در اشیاء موجود باشد. این وضعیت ممکن است در

افراد صغیر، بالغ، عاقل یا مبتلای به اختلال روانی وجود داشته باشد. اگر چه در بحث مجازات، اصلاح و تربیت و ممانعت از تکرار جرم از ذاتیات مجازات و مقومات آن محسوب نمی‌شود، اما در اقدامات تأمینی اصلاح و درمان افراد مسئول و صیانت جامعه در قبال افراد خطرناک و غیرمسئول از مقومات اقدامات تأمینی است.

مجازات از نظر مدت متناسب با شدت و ضعف جرم از طرف دادگاه تعیین می‌شود و به عبارت دیگر از نظر ویژگی مجازات معین بودن ذکر می‌شود درحالی‌که اقدامات تأمینی معمولاً از نظر مدت نامعلوم و گاهی طولانی هستند چون هدف اقدامات تأمینی رفع حالت خطرناکی مجرم است بنابراین معمولاً نمی‌توان مدت آن را تعیین کرد و باید تا تحقق این هدف یعنی رفع حالت خطرناکی ادامه یابد. لایحه قانونی منسوخ اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ در ماده ۴ این نکته را مورد توجه قرار می‌داد و مقرر می‌داشت: «مجرمان جنون یا مختل المشاعر که محل نظم یا امنیت عمومی بوده دارای حالت خطرناک باشند در تیمارستان مجرمان نگهداری خواهند شد و مدت نگاه‌داری معین نیست». همچنین به موجب ماده ۶ لایحه یادشده، نگهداری مجرمان بیکار و ولگرد و موادی و گدا در کارگاه‌های کشاورزی و صنعتی نامعین است و به موجب ماده ۷ لایحه، مادام که از مجرم معتاد به استعمال الکل و مواد مخدره رفع اعتیاد نشده در مراکز معالجه معتادان نگهداری خواهد شد. اقدام تأمینی چون برای رفع حالت خطرناکی مجرم استفاده می‌شود قاعده عطف بما سبق نشدن که در مورد مجازات با شرایط خاص اعمال می‌شود، در مورد اقدام تأمینی قابلیت اجرا ندارد اگرچه قانون‌گذار در ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قائل به این تفاوت نشده و اقدامات تأمینی را همانند مجازات غیرقابل عطف به گذشته دانسته است.

از سوی دیگر حالت خطرناک مجرم بعد از آنکه مجازات مشمول مرور زمان گردید ممکن است باقی بماند به همین دلیل نهاد مرور زمان در مورد اقدامات تأمینی نباید رعایت شود اگر چه قانون‌گذار در انتهای ماده ۶ لایحه منسوخ اقدامات تأمینی حکم به نگهداری در کارگاه‌های کشاورزی و صنعتی برای مجرمان بیکار و ولگرد در صورتی که پنج سال از صدور حکم اجرا نشده باشد مشمول مرور زمان دانسته بود. عفو عمومی نیز بر همین مبنا در مورد اقدامات تأمینی موضوعیت پیدا نمی‌کند. تعلیق اجرای مجازات درباره اقدامات تأمینی اصولاً با هدف این اقدامات ناسازگار است زیرا نمی‌توان اقدام تأمینی را به تأخیر انداخت تا خطر بروز کند. اگر قاعده جمع کیفرها را در تعدد جرم نپذیریم در مورد اقدامات تأمینی جمع اقدامات موضوعیت دارد چراکه برای هر حالت خطرناکی اقدام تأمینی خاص به عمل می‌آید. مجازات بدون اینکه حکم قطعی شود قابل اجرا نیست ولی اقدامات تأمینی چون برای جلوگیری از بروز حالت خطرناک به کار می‌رود تابع مقررات مربوط به تجدیدنظر و فرجام‌خواهی نیست.

نهایت آنکه اگر در مورد شمول کیفر به اشخاص حقوقی تردیدی باقی مانده باشد در مواعیل اقدامات تأمینی در مورد اشخاص حقوقی اشکالی وجود نخواهد داشت مثل تعطیل یک مؤسسه یا نگاه یا انحلال جمعیتی که شخصیت حقوقی دارد اقدام تأمینی محسوب می‌شود. علیرغم تفاوت‌های فوق اشتراکاتی میان کیفر و اقدامات تأمینی وجود دارد که می‌توان به شرح زیر به آن‌ها پرداخت: اقدامات تأمینی مانند مجازات به موجب قانون تعیین می‌شود. اجرای اقدامات تأمینی مانند مجازات بعد از وقوع جرم قابل اعمال هست. اصل مداخله قضایی هم در مجازات و هم در اقدامات تأمینی حاکم می‌باشد یعنی به وسیله مقامات اجرایی نمی‌توان اقدام تأمینی را اعمال نمود. رعایت حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان در اقدام تأمینی هم ضروری است لذا نمی‌توان شخصی را به عنوان اقدام تأمینی عقیم نمود.

تعزیر در لغت

از مجموع معانی و کاربردهای تعزیر می‌توان فهمید که معنای اصلی آن «رد» و «منع» می‌باشد گرچه در لغت معانی دیگری هم دارد. همان گونه که در لسان العرب آمده: «انّ التعزیر فی اللغة الرد و المنع»، یعنی معنای اصلی تعزیر منع و رد است. بقیه معانی

عمدتاً به همین معنی برمی‌گردد، در لسان العرب آمده: «عزره ای فخمه و عظمه ... قال الله تعالی: عزر تموهم ای عظمت‌موهم». در تفسیر مجمع‌البیان ذیل آیه ۱۵۷ سوره مائده، تعزیر در معنای منع به‌کاررفته است. اگر معنای اصلی تعزیر، منع و رد باشد طبعاً شامل هر نوع عقوبتی است که بتوان به‌وسیله آن، مجرم را از انجام دوباره گناه منع کرد، یعنی تعزیر منحصر در زدن نیست بلکه هر عملی که خصوصیت منع داشته باشد تعزیر خواهد بود.

معنای اصطلاحی تعزیر

تعزیر در حقوق جزای اسلامی به کیفرهایی گفته می‌شود که نوع و اندازه و چگونگی آن معین نیست و تعیین آن‌ها به مصلحت‌اندیشی حاکم واگذار شده است. نظام کیفرهای نامعین را نخستین بار حقوقدانی از فرانسه در سال ۱۸۴۷ م پیشنهاد داد و به مرور مورد توجه حقوقدانان جهان قرار گرفت به‌گونه‌ای که کنگره‌های حقوق جزا، اجرای این سیستم را پیشنهاد کردند. قاضی در این سیستم آزاد است تا همه شرایط و احوال جرم و مجرم را ارزیابی سپس اقدام به تعیین کیفر کند و این روش بهترین عامل در تأمین عدالت اجتماعی، امنیت قضایی و تضمین حقوق انسان‌ها در جوامع مختلف است. سیستمی که اروپایی‌ها امروز بدان رو آورده‌اند قرن‌ها قبل در اسلام با عنوان «تعزیرات» مطرح بوده، زیرا همه جرائمی که برای آن‌ها کیفری چون حد، قصاص و دیه مقرر نشده و نوعی تجاوز به حقوق فرد و جامعه محسوب می‌شوند و به تعبیر اسلام همان گناه کبیره، کیفری به نام تعزیر خواهند داشت که این تعزیرات از سبک‌ترین و کوچک‌ترین تا سنگین‌ترین کیفرها را شامل می‌شود؛ از اندرز دادن، اخطار دادن، ترساندن، تازیانه زدن تا زندان و اعدام. پس تعزیرات گسترده‌ترین واکنش کیفری در نظام جزایی اسلام است. در این نوع مجازات به دلیل قابلیت انعطاف نظام تعزیرات و قابلیت تطابق آن با نیازها، ضرورت‌های اجتماعی در چارچوب یا اصول، قواعد، میانی و اهداف سیاست کیفری و جنایی اسلام، قانون‌گذار و قاضی قادر به سیاست‌گذاری و وضع قوانین مناسب هستند. مسئله «تشریح مجازات منعطف» نشان‌دهنده پویایی فقه است. در این نوع مجازات، وضعیت خاص و شخصیت بزهکار از معیارهای اصلی در تعیین کیفیت برخورد با بزهکار است. قلمروی جرم‌انگاری در جرائم تعزیری مانند جرائم حدی محدود به حدود و قصاص و دیات نیست بلکه در همه زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و عبادی و ... تأمین مصالح فرد و جامعه و پیشبرد اهداف اسلام در چارچوب سیاست جنایی برگرفته از اصول و مبنای شریعت می‌توان به ضمانت اجرای کیفری متناسب و کارآمد تعزیری متوسل شد. در نظام تعزیرات، قانون‌گذار و قاضی اختیارات زیادی دارند، از این‌رو قضات برای تسلط بر ضوابط و موازین جزایی اسلام علاوه بر مطالعه فقه و قانون باید با روان‌شناسی، جامعه‌شناسی جنایی و جرم‌شناسی نیز آشنا باشند تا بتوانند نقش خود را در جرائم تعزیری به‌خوبی ایفا کنند. هدف از تعزیر ریشه‌کنی گناه و فساد و بی‌نظمی و قانون‌شکنی و پیشگیری از نزدیک شدن به مرزهای ممنوعه و سزا دهی بزهکار با اجرای مجازات و بازگرداندن او به جامعه و اجتماع‌پذیر کردن اوست و کوشش می‌شود تا در پرتو معیارهای ارزشی و اخلاقی، خلق و خوی معنوی در نهاد ناسازگار او احیا گردد و رفتارش با تقویت وجدان اخلاقی اصلاح شود.

اهداف مجازات

بازدارندگی

مهم‌ترین عاملی که عموم مردم را به رعایت قانون ملتزم می‌کند، ترس از ضمانت اجرای آن است. در کمتر جامعه‌ای می‌توان ارزش هنجارهای قانونی را آن‌قدر ذاتی و درونی یافت که تبعیت از آن نیاز به ضمانت اجرای خارجی و بیرونی نداشته باشد. تحلیل این وضعیت، موضوع پیچیده اجتماعی- فرهنگی است که نمی‌توان در این موضع بدان پرداخت.

پیش‌فرض ارباب مبتنی بر این ادعا است که بشر، موجودی است که فشارهای بیرونی می‌توانند او را تحت کنترل قرار دهد؛ از آنجاکه انسان‌ها موجوداتی حسابگر هستند، از اعمالی که نتایج محتمل آن را دوست ندارند اجتناب می‌کنند، بنابراین تهدید بازدارندگی از جرم تنها در صورتی به پیشگیری از جرم اشاره دارد که از طریق تهدید افراد نسبت به عواقب ارتکاب جرم (بازداشت، محاکمه، محکومیت، مجازات) که قانون‌شکنان بالقوه مایل به قبول ریسک آن نیستند حاصل می‌شود. منظور از اثر اربابی مجازات مفهوم عامی است که نه تنها شامل اثر دردناک حاصل از تحمیل مجازات می‌شود بلکه تهدید به مجازات و رسوایی حاصل از آن نیز در زمره‌ی آثار بازدارنده مجازات است.

اصلاح و درمان

اصلاح و درمان بزهکار عبارت است از اجرای یک برنامه مداوای روانی-اخلاقی، با رعایت شرایط لازم برای تأمین امنیت جامعه به‌منظور بهبود امکانات سازش‌پذیری اجتماعی او. در مورد بزهکار بیمار، یک برنامه مداوای پزشکی به اجرا درمی‌آید. بدین ترتیب باید گفت اصلاح و درمان چیزی است که به مجازات افزوده می‌شود و آن را از صرف یک پاسخ کیفری فراتر می‌برد. اصلاح و درمان ناظر بر نوع خاصی از نحوه اجرا و اعمال کیفر است. گاهی برنامه‌های اضافه‌شده به مجازات، جنبه‌ی تربیتی دارد که کلمه اصلاح بیشتر برای این منظور به کار می‌رود و گاهی این برنامه‌ها جنبه مداوا دارند که کلمه درمان برای آن به کار می‌رود.

اصلاح یا بازپروری مبنی بر این فرض است که چیز اشتباه یا بدی در مجرم بوده که تحت تربیت توأم بانظم و قاعده، قابل‌دگرگونی و شکل‌دهی مجدد است و همراه با رفتار بهبودیافته‌ای که در نهاد مربوط آموخته‌شده، فرد در آینده دیگر دست به ارتکاب جرم نخواهد زد. به دیگر سخن معنای اصلاح این است که در اثر مجازات ارزش‌های مجرم تغییر می‌کند یعنی چون معتقد می‌شود که جرم یک کار غلط و اشتباه است از تکرار آن در آینده اجتناب می‌کند، فلذا در اینجا با ترک جرم به خاطر ترس از مجازات مواجه نیستیم چراکه انگیزه خودداری از ارتکاب جرم، یک انگیزه مثبت درونی است که ناشی از تطابق مجرم با هنجارهای اجتماعی می‌باشد یعنی نگرش شخص نسبت به جرم و ارتکاب جرم تغییر پیدا می‌کند. فرایند اصلاحی مجرم طی سه مرحله صورت می‌گیرد: اول. استقرار احساس ناخوشایند از افکار او عمال مجرمانه. دوم. فراگیری مهارت‌هایی که مجرم را قادر می‌سازد تا رفتارش را تغییر دهد مثل کنترل عصبانیت، مقابله با فشارها، آموزش مهارت‌های حل مشکل، ارتباط برقرار کردن با دیگران و سایر مهارت‌های زندگی. سوم. تشویق مجرم و کمک به او جهت تعمیق توجه او به زندگی عادی و غیر مجرمانه. درمان متکی بر این ایده است که مجرمان افراد شروری نیستند بلکه بیمارانی هستند که رفتار ضداجتماعی آن‌ها بیانگر اختلالات شخصیتی و روانی آن‌هاست. پس اگر ثابت شود که برخی کمبودهای جسمانی یا روانی در بزهکار شدن افراد نقش داشته است، در این صورت رژیم اجرای کیفر و نحوه اعمال آن باید شامل شیوه رفتار مناسبی برای رفع این کمبودها باشد. درمان هم شامل معالجه‌های پزشکی است و هم معالجه‌های روان‌پزشکی.

تشفی خاطر بزده دیده

رضایت خاطری است که در اعمال مجازات در زیان‌دیده جرم ایجاد می‌کند. خشم به‌حق، تألم خاطر مشروعی است که بزده دیده احساس می‌کند. این احساس رنجش تا زمانی که عامل ایجاد آن، در محضر عدالت حاضر نشود، تسکین نمی‌یابد. پس مجازات برای ارضاء احساس رنجشی است که به‌طور طبیعی در قربانی جرم ایجاد می‌شود. این تشفی خاطر از آن جهت برای فایده‌گرایان حائز اهمیت است که جلوی انتقام‌های شخصی قربانی را می‌گیرد و مانع از آن می‌شود که وی خودش اجرای قانون را به دست گیرد و از

این طریق مجازات باعث کاهش جرم در آینده می‌شود. رویکرد جدید بزه دیده- محور در اندیشه‌ی حقوق کیفری که از آن به عدالت ترمیمی تعبیر می‌شود، ریشه در بحث ارضاء خاطر بزه دیده دارد. این رویکرد مدعی آن است که در تعیین مجازات و اعمال آن بایستی به نظر بزه دیده احترام گذاشته شود و تمام تدابیر حقوقی باید برای ارضای خاطر وی به کار گرفته شود. نبایستی دستگاه عدالت کیفری بدون توجه به خواسته‌های بزه دیده به تعیین مجازات اقدام نماید چراکه خواست بزه دیده و آرامش وی و ترمیم آلام و ناراحتی‌های وی هدف نهایی از تعیین و اجرای مجازات می‌باشد و بدون در نظر گرفتن آن‌ها نمی‌توان مجازاتی دارای آثار مثبت و ماندگار را مورد حکم قرارداد.

طبقه‌بندی مجازات بر اساس سیاست تفنینی

در این نوع طبقه‌بندی، توجه اصلی به رویکرد قانون‌گذار است. بر این اساس بایستی تقسیم‌بندی قانون‌گذار را مورد بررسی قرارداد. قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در ماده ۱۲ بیان می‌داشت: «مجازات مقرر در این قانون پنج قسم است: ۱. حدود ۲. قصاص ۳. دیات ۴. تعزیرات ۵. مجازات بازدارنده» اما قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از این تقسیم‌بندی پنج‌گانه عدول کرده و تقسیم‌بندی چهارگانه قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ را مورد پذیرش مجدد قرارداد و در ماده ۱۴ مقرر نموده است: «مجازات مقرر در این قانون چهار قسم است: الف- حد، ب- قصاص، پ- دیه، ت- تعزیر».

روش تحقیق

پایان نامه حاضر یک پژوهش نظری است که به صورت توصیفی- تحلیلی انجام شده است. محقق در این پژوهش تلاش نموده که با بررسی داده‌ها و اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن‌ها به روابط میان پدیده‌ها و بسترها پی برده و به تدوین گزاره‌ها و قضایای کلی در رابطه با موضوع پژوهش دست یابد. تشریح ارتباط اجزای مربوط به مسئله تحقیق با گزاره‌های کلی بدست آمده نتیجه گیری پژوهش را تشکیل می‌دهد. روش گردآوری اطلاعات این پروژه بصورت مطالعات کتابخانه‌ای بوده است. در این تحقیق سعی شده که از کلیه منابع کتابخانه‌ای اعم از کتب، مجلات، نشریات و بانک‌های اطلاعاتی اینترنتی استفاده شود. چون مطالعه و تحقیق با روش مطالعات کتابخانه‌ای انجام می‌شود، ابزارهای گردآوری اطلاعات پژوهش شامل فیش برداری و استفاده از بانک‌های اطلاعاتی و شبکه‌های کامپیوتری (اینترنت) می‌باشد. تجزیه و تحلیل در این تحقیق جنبه کیفی داشته و از این رو روش کار به صورت استنباط روابط و تجزیه و تحلیل آن‌ها در جهت کشف گزاره‌های کلی می‌باشد. لذا استنتاجات پژوهش به روش بررسی موردی بسترهای ایجاد کننده برخی مفاهیم و ساختارها در گذشته و همچنین تجزیه و تحلیل آثار این مفاهیم و ساختارها در تولید و توسعه مفاهیم و ساختارهای جدید است.

تحلیل ماهیت تعزیر در قانون

سیاست کیفری اسلام به تبع دین اسلام، مدعی ابدیت در اداره امور جامعه است، از سوی دیگر این هم امری مسلم و روشن است که برای تمامی امور در حال تغییر و تحول مانند امور اجتماعی نمی‌توان پاسخ‌های ثابت در نظر گرفت، بنابراین، سیاست کیفری اسلام هم به دو بخش تقسیم می‌شود، بخش ثابت که مشتمل بر حدود قصاص و دیات است و حداقلی از پاسخ‌ها را در برمی‌گیرد و تعزیرات که بخش حداکثری و درعین حال غیر ثابت این نظام کیفری است. شاید با قاطعیت بتوان گفت که بیش از نود درصد مجازات موجود

در نظام کیفری اسلام در بخش غیر ثابت قابل تحلیل هستند. میدان باز و گسترده‌ای که قلمرو سیاست‌های مدیرانه حکومت است تا با تعیین درست جرم و تعیین مجازات به تمثیت امور همت گمارد. در قانون جدید قانون‌گذار در ماده ۱۸ به تعریف تعزیر اقدام کرده است: تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانون موارد زیر، را مورد توجه قرار می‌دهد: الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم، ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن، ج- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم، د- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی، مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی.

در این ماده تعزیر به مجازات تعریف شده است در حالی که در قانون سابق تعزیر به عنوان مجازات و تأدیبات شناخته شده بود. و تأدیبات نیز در مورد افراد غیر مسئول (صغیر و مجنون) به کار می‌رفت و تعریفی که از تعزیرات به نحو اعم در قانون سابق ذکر شده بود شامل اقدامات تأمینی و تربیتی نیز می‌شد و در واقع اقدامات تأمینی و تربیتی به عنوان نوعی از تعزیرات قابل تلقی بودند؛ اما در قانون جدید به نظر می‌رسد اصطلاحی جدید جعل گردیده است و اقدام تأمینی و تربیتی در مورد اطفال و اقدام تأمینی در مورد مجانین و افراد مبتلا به اختلال روانی به کار گرفته می‌شود. با تغییر تحقق یافته در قانون جدید و تعریف تعزیر به مجازات و حذف تأدیبات، جایگاه اقدامات تأمینی و تربیتی در هرم مجازات اسلامی نامعلوم است. تا پیش از قانون فعلی بایستی تعزیر دارای ماهیتی دوگانه شناخته می‌شد یعنی زمانی که در مورد افراد عاقل و بالغ به کار می‌رفت، مجازات محسوب می‌شد و زمانی که در مورد افراد غیر مسئول به کار گرفته می‌شد، تأدیبات به حساب می‌آمد؛ اما در قانون فعلی این موضوع منتفی شده است و تعزیر صرفاً دارای ماهیتی واحد و آن هم ماهیتی از جنس مجازات است. تعزیرات و قواعد حاکم بر آن، مباحث مفصلی را در پی داشته و دارد. تلاش خواهد شد که در ذیل سه قاعده کلی بحث تعزیر به مهم‌ترین این مباحث نظری اشاره شود. بیان این قاعده سه‌گانه بهانه‌ای است جهت مطرح نمودن برخی مسائل بنیادین حقوق کیفری ایران. به همین دلیل نگارندگان از ورود به مبانی فقهی این قواعد و نظرات فقها در این زمینه اجتناب نموده‌اند؛ موضوعی که خود درخور تحقیقات بسیار گسترده‌ای است. رویکرد حاکم بر این مباحث صرفاً حقوقی بوده و آثار حقوقی این قواعد مدنظر بوده است.

تطبیق مجازات تعزیری با جرم (اصل تناسب)

حاصل کار تعیین شدت مجازات، در مرحله بعد آن یعنی تطبیق مجازات با جرائم نمایان می‌شود. تا بدین جا ما دسته‌هایی از جرائم و به همان ترتیب دسته‌هایی از مجازات را داریم که در هر دسته طیف وسیعی از جرائم و مجازات وجود داد و وجه اشتراک آن‌ها تنها شدت نسبی مشابه آن‌هاست. حال نوبت به آن می‌رسد که پله‌های این دو نردبان را با یکدیگر مرتبط سازیم. در ایجاد این رابطه که کم‌وبیش مکانیکی است باید کمترین مجازات برای خفیف‌ترین جرائم و شدیدترین مجازات برای شدیدترین جرائم تعیین شود. خطوطی که این سطوح را به یکدیگر پیوند می‌دهد، نباید یکدیگر را قطع کنند؛ زیرا قطع این خطوط بدان معناست که مجرمین بتوانند جرمی را انتخاب کنند که ما ترجیح می‌دهیم انتخاب نکنند. به عبارت دیگر، مجرم را مخیر می‌کنیم که بین آن جرم و جرمی که در سطح پایین‌ترین درجه‌بندی کرده‌ایم، انتخاب کند و بدیهی است انتخاب مجرم، جرمی است که مجازات کمتری دارد. مطلب دیگر اینکه تشبیه درجه‌بندی شدت جرائم و مجازات به نردبان به معنای آن نیست که فاصله هر پله با پله قبل یا بعد خود یکسان و مساوی باشد. منطبق به ما می‌گوید که گستره زیاد جرائم و مجازات را نمی‌توان مثل دندانه‌های شانه به‌طور مرتب و یکسان درجه‌بندی کرد؛ برای نمونه، فاصله قتل عمدی با سرقت خیلی بیشتر از فاصله سرقت با کلاهبرداری است، به همین ترتیب فاصله اعدام با حبس خیلی بیشتر از فاصله حبس و تعلیق مراقبتی فشرده است.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش سعی شد از یک سو، در جهت دستیابی به اهداف حقوقی، قضایی و آموزشی به بررسی طبقه‌بندی مجازات پرداخته شد و از سوی دیگر به ارزیابی مجازات تعزیری که بخش اعظم قانون مجازات را تشکیل می‌دهد پرداخته شد؛ تا از این طریق با آسیب‌شناسی طبقه‌بندی مجازات و بخصوص ارزیابی و تبیین مجازات تعزیری در جهت اعتلای نظام جزایی و قانون‌گذاری کشور و همچنین تسهیل آموزش نظام مجازات گامی هر چند ناچیز برداشته شود. از طرفی مجازات بیش از حد و با هدف صرف سزادهی نتیجه معکوس خواهد داد. نهایتاً به این نتیجه می‌رسیم که اجرای مجازات در قانون مجازات اسلامی جدید به سمت مناسب بودن با جرم و کاهش آسیب‌های وارده به مجرمین و جامعه پیش می‌رود. نمونه بارز این رویکرد این که در جرایم تعزیری اگر کسی بگوید که اقرار او ناشی از شکنجه و آزار بوده است بدون بینه و شاهد پذیرفته می‌شود. و یا موارد مربوط به تخفیف مجازات، که در تعیین مجازات‌های تعزیری، دادگاه باید انگیزه مرتکب، وضع ذهنی و روانی وی، شیوه ارتکاب جرم و اقدامات مرتکب پس از ارتکاب و نیز سوابق و وضعیت خانوادگی او را در نظر بگیرد. بنا بر این، با توجاین که هدف از وضع قوانین کیفری، ایجاد نظم و امنیت در اجتماع و مجازات شخص مجرم و عنداللزوم جبران خسارت و آلام شخص حادثه دیده می‌باشد. در سیاست‌های کیفری جدید در دنیا و ایران، قانون‌گذار باید به دنبال شیوه حبس زدایی توأماً با تحمل مجازات از سوی مجرم و تنبه آن باشد.

با توجه به نتایج پژوهش این پیشنهادات ارائه می‌شود

۱. فرهنگ سازی از طریق رسانه‌های گروهی و بالا بردن سطح آگاهی مردم از طبقه‌بندی مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی جدید و آشنا کردن آنان از عواقب عملشان می‌تواند راه حلی برای جلوگیری از ارتکاب جرم باشد.
۲. جهت آشنایی بیشتر نسبت به طبقه‌بندی مجازات در قانون مجازات اسلامی جدید و جایگاه تعزیرات در این طبقه‌بندی‌ها پیشنهاد می‌شود افراد در حین دوره‌های آموزشی با انواع جرایم، مجازات‌ها و محرومیت‌ها آشنا شوند.
۳. تبیین دستورات رفتاری و عملی فرمایشات رهبر کبیر انقلاب (ره) و مقام معظم رهبری در مراکز علمی و تربیتی بیشتر ارائه شود. با عنایت به فرمایشات مقام معظم رهبری، پاره‌ای دستورالعمل‌های ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها عبارتند از: نظارت بر قرارهای تأمینی، رسیدگی خارج از نوبت و استفاده از مجازات جایگزین حبس و نحوه رسیدگی به ادعای اعسار و تقسیط محکومین مالی.

منابع

- آشوری، محمد (۱۳۸۲). جایگزین‌های زندان یا مجازات بینابین. تهران: نشر گرایش.
- آشوری، محمد (۱۳۷۵). آیین دادرسی کیفری. تهران: نشر سمت.
- بوشهری، جعفر (۱۳۸۱). حقوق جزا دعاوی جزایی. تهران: نشر انتشار.
- بهرامی، بهرام (۱۳۸۳). اجرای احکام کیفری. تهران: نشر نگاه بینه.
- باهری، محمد (۱۳۸۸). نگرشی بر حقوق جزای عمومی. تهران: نشر مجد.
- حسینی، سید محمد (۱۳۸۳). سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر سمت.
- دهقان، حمید (۱۳۸۴). شمیم عدالت: تحلیل مفهوم عدالت و تأثیر آن بر حقوق کیفری. قم: نشر رسالت.

- جعفری، یزدیان (۱۳۹۱). چرایی و چگونگی مجازات. تهران.
- جعفری، احمد و سراج‌زاده، حسین (۱۳۹۰). «جرم و مجازات: مقایسه مجازات پیشنهادی نمونه‌ای از دانشجویان با قوانین مجازات در ایران». علوم اجتماعی - بررسی مسائل اجتماعی ایران.
- نوربها، رضا (۱۳۷۷). زمینه جرم‌شناسی. تهران: نشر گنج دانش.
- مهرپور، حسین (۱۳۶۸). «سرگذشت تعزیرات». مجله کانون وکلا.
- منصورآبادی، عباس (۱۳۸۲). جایگزین‌های زندان یا مجازات بینابین. تهران: نشر گرایش.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۱). عدالت حقوقی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷). «مجازات نامتناسب و مغایر با کرامت انسانی». فصلنامه حقوق.
- حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۳). «اصلاح مجرمین در سیاست جنایی تقنینی ایران». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه ان.
- رهگشا، امیرحسین (۱۳۷۷). نگرشی بر قانون نحوه محکومیت‌های مالی. تهران.
- داوودی گرماردی، هما (۱۳۸۴). «مکتب نئوکلاسیک نوین و احیای رویکرد سزادهی». دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- محقق‌داماد، سید مصطفی (۱۳۷۹). قواعد فقه بخش جزایی. تهران: مرکز نشر علوم انسانی.
- بکاریا، سزار (۱۳۷۴). رساله جرائم و مجازات‌ها. ترجمه محمدعلی اردبیلی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- فوکو، میشل (۱۳۸۳). مراقبت و تنبیه. ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده.
- محسنی، مرتضی (۱۳۵۴). کلیات حقوق جزا. تهران: گنج دانش.
- نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری (مجموعه نظرها، ۱۳۴۲).